مکث

کشاورز روستایی باید دیه مرد قصاب و فرزندش را بپردازد تا دوباره طعم آزادی را بچشد

داستان تلخ دیه ۳۰۰ میلیونی در عمق چاه

شهروند| افسوس روزهای شیرینی که می‌توانست در کنار خانواده‌اش باشد را می‌خورد. هر روزی را که در زندان به شب می‌رساند برایش به اندازه یک‌سال است. اما حالا آن اتفاق شوم افتاده است و او به خاطر یک سهل‌انگاری باید ۳۰۰میلیون تومان به‌عنوان دیه پدر و پسری که با افتادن در چاه زمین کشاورزی پدری‌اش جان باخته‌اند پرداخت کند تا دوباره طعم آزادی را بچشد.

ماجرا برای مرد روستایی برمی‌گردد به روزی که تصمیم گرفت برای زمین کشاورزی پدرش گوسفندی را قربانی کند. مرد قصابی به نام اکبر به همراه پسر ۵ساله‌اش غروب آفتاب در زمین کشاورزی حاضر شد تا گوسفند را قربانی کند. اکبر وقتی کارش به پایان رسید، پوست گوسفند را روی ترک موتورش بست و به راه افتاد تا قبل از غروب آفتاب به خانه بازگردد اما هیچ‌کس از حادثه‌ای که قرار بود برای مرد قصاب و پسرش رخ دهد خبر نداشت.

آغاز یک جست‌وجو

ساعت‌ها از اتمام کار اکبر گذشته بود اما او و پسرش به طرز مرموزی ناپدید شده بودند و هیچ‌کس از آنها و سرنوشتی که دچارش شده بودند خبر نداشت. نگرانی خانواده اکبر هر لحظه بیشتر می‌شد تا این‌که ماجرا به ماموران نیروی انتظامی گزارش داده شد. طبق تحقیقات پلیس آخرین مکانی که اکبر در آنجا مشاهده شده بود زمین کشاورزی بود که وی برای قربانی کردن گوسفند به آن‌جا رفته بود. به این ترتیب پرس و جوها از صاحب زمین آغاز شد. طبق گفته صاحب زمین اکبر پس از اتمام کارش راهی خانه شده بود و دیگر کسی از سرنوشت وی و فرزندش خبری نداشت. اولین فرضیه‌ها از این قرار بود که احتمالا اکبر و فرزندش در مسیر خانه دچار حادثه شده‌اند. به همین خاطر جست و جوها در منطقه آغاز شد تا این‌که پس از گذشت یک روز از ناپدید شدن مرد قصاب و پسرش بررسی‌ها نتیجه داد و بدن بی‌جان او و فرزندش در عمق چاه عمیقی که در آن نزدیکی بود پیدا شد.

پس از پیدا شدن جسد مرد قصاب و فرزند خردسالش کارآگاهان تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند تا پی به راز مرگ مشکوک دو مقتول ماجرا ببرند. وقتی تمام افرادی که آن روز با اکبر در ارتباط بودند تحت بازجویی قرار گرفتند و کارآگاهان تمام سرنخ‌های به‌دست‌آمده را مثل پازل در کنار یکدیگر قرار دادند، مشخص شد، اکبر وقتی قصد داشته از زمین کشاورزی خارج شود به خاطر تاریکی شب و عدم دید کافی در مسیر برگشت راه را گم کرده و متاسفانه به داخل چاه عمیقی که در نزدیکی ساختمان نیمه‌کاره قرار داشت، به همراه پسرش سقوط کرده است.

با مشخص شدن ماجرا پرونده به مراجع قضایی ارسال شد تا تحت بررسی بیشتری قرار بگیرد. در ادامه با حضور کارشناس عالی تصادفات در محل حادثه مشخص شد راننده موتورسیکلت به دلیل بی‌احتیاطی در رانندگی ۶۰درصد مسبب حادثه است. اما ماجرا به همین جا ختم نشد چراکه پس از صدور حکم همسر اکبر اعتراض کرد و به این ترتیب پرونده دوباره تحت بررسی قرار گرفت و این بار با استناد به سهل‌انگاری مالک چاه، مرد کشاورز به‌دلیل عدم رعایت اصول ایمنی اطراف دهانه چاه صددرصد مقصر حادثه شناخته شد و با رأی دادگاه محکوم به پرداخت دیه تا مبلغ ۳میلیارد ریال شد.

عباس کشانی، مدیر امور استان‌های ستاد دیه کشور در این‌خصوص در گفت‌وگویی با «شهروند» گفت: در گزارش کارشناس رسمی دادگستری آمده بود که اطراف این چاه دهانه‌ای به عرض یک متر و ۵۰ سانتیمتر داشته و متاسفانه شیب دهانه چاه نیز بسیار زیاد بوده است به همین خاطر وقتی موتورسوار به دهانه چاه نزدیک شده در کمترین زمان ممکن بدون این‌که وی توانایی انجام کاری را داشته باشد به داخل چاه سقوط کرده است.

وی در ادامه می‌گوید: مرد کشاورز به دلیل عدم توجه در گذاشتن سرپوش چاه زمین زراعی خانه پدری خود و همچنین به دلیل عدم نصب علایم هشداردهنده لازم در اطراف چاه که درنهایت منجر به مرگ مرد قصاب و فرزند ۵ساله‌اش شد به استناد مواد ۳۳۸ و ۳۴۲ قانون مجازات اسلامی (حاکم بر زمان وقوع بزه) و مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ و اصلاح دیات، طبق نظر دادگاه صالحه محکوم به پرداخت دو فقره دیه کامل محکوم شده است.

وی در ادامه می‌گوید: مددجوی یادشده صاحب دو فرزند است و چون توانایی پرداخت دیه را ندارد تا به امروز در زندان به سر می‌برد. لذا در این پرونده خواسته شده تا مردم کمک‌های خود را برای آزادی این زندانی به ستاد دیه به شماره حساب ۰۱۵۵۵۵۰۰۰۰۰۰۴ سیبای بانک ملی و شماره کارت ۷۵۰۳ – ۹۹۵۱ – ۹۹۱۱ – ۶۰۳۷ واریز کنند.

راز سیاه خودرو زردرنگ ۳ مرد زورگیر

شهروند| ۳ مرد سوار بر خودرو زردرنگ به کمین زنان مسافر می‌نشستند تا به زورگیری‌های سیاه دست بزنند. روز سوم آبان‌ماه وقتی زن جوانی گریان خود را به کلانتری شرق پایتخت رساند و از زورگیری ۳ مرد جوان سوار بر پژو ۴۰۵ پرده برداشت، تیمی از اداره ۱۶ پلیس آگاهی تحت نظر بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت وارد عمل شد.

زن جوان که وحشت‌زده بود، به تیم تحقیق گفت: «ساعت ۸ صبح قصد داشتم تا از بلوار ارتش به فلکه چهارم تهرانپارس بروم. سوار یک خودرو پژو ۴۰۵ زردرنگ با ۳ سرنشین شدم؛ هنوز لحظه‌ای نگذشته بود که ناگهان راننده به سمت جاده تلو تغییر مسیر داد. اعتراض کردم. با ضربات مشت و لگد می‌خواستند ساکتم کنند. راننده خودرو چاقویی را به سرنشین عقب داد. چاقو زیر گلویم گذاشته شد و سکوت کردم».

این زن در ادامه به کارآگاهان گفت: «سرنشینان خودرو پژو ۴۰۵ زردرنگ تمامی اموال باارزش همراهم از قبیل وجه نقد، گوشی تلفن همراه و حتی چند تکه کوچک طلای همراهم را سرقت کرده و هیچ پولی برایم باقی نگذاشته بودند و همزمان با سرقت، راننده نیز به سمت جاده تلو حرکت می‌کرد. تصور می‌کردم که آنها پس از سرقت مرا رها خواهند کرد اما با توقف خودرو متوجه نیت شوم آنها شدم.

قصد داشتم با آنها درگیر شده و خود را نجات دهم اما آنها ۳ نفر بودند و با حالتی دیوانه‌وار، با چاقو مرا تهدید به کشتن کردند. وقتی مرا تحت شکنجه و آزار قرار دادند در بیابان‌های جاده رها و با خودرو زردرنگشان از محل دور شدند».

گزارش گشت تاکسیرانی

با آغاز تحقیقات، کارآگاهان با بهره‌گیری از تمامی بانک‌های اطلاعاتی به بررسی وقوع سرقت‌های مشابه با خودرو پژو ۴۰۵ زردرنگ پرداختند. در طول مسیر تحقیقات، کارآگاهان به گزارشی از سازمان تاکسیرانی رسیدند که در آن عنوان شده بود که «گشت تاکسیرانی در تاریخ سوم آبان‌ماه در حوالی منطقه لشگرک (نزدیک به محل وقوع جنایت) به یک خودرو پژو ۴۰۵ که شماره پلاک آن شخصی بوده اما رنگ زرد آن کاملا به رنگ زرد خودروهای تاکسی شباهت داشته دستور توقف داده اما این خودرو از محل متواری شده است». وقتی شماره پلاک خودرو پژو ۴۰۵ زردرنگ شناسایی شد، بررسی‌ها نشان داد که آخرین مالک آن به نام هومن ۲۸ ساله است. زن جوان با دیدن تصویر مالک خودرو او را به‌عنوان یکی از ۳ متهم تحت تعقیب مورد شناسایی قرار داد.

هومن در فاصله کوتاهی در منطقه پاکدشت دستگیر و خودرو پژو ۴۰۵ زردرنگ نیز توقیف شد.

«هومن» پس از دستگیری منکر هرگونه آزار و اذیت بود اما پس از مواجهه حضوری با زن جوان مجبور به اعتراف شد و دو همدست خود به نام‌های ولی ۳۲ساله و حسین ۲۷ساله را معرفی کرد.

با شناسایی دو متهم دیگر پرونده، این ۲ نفر نیز در مناطق «قیام‌دشت» و «پاکدشت» دستگیر و جهت ادامه تحقیقات به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند.

وقتی خودرو مورد بررسی قرار گرفت، مشخص شد رنگ اصلی خودرو، سبز بوده که توسط مالک آن تغییر داده شده و این خودرو برخلاف تصور زن جوان، که در تحقیقات اولیه عنوان کرده بود که سوار یک دستگاه خودرو تاکسی شده، به هیچ عنوان تاکسی نبوده و یک خودرو کاملا شخصی بوده است.

سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: «با توجه به اعتراف هر ۳ متهم به «سرقت منجر به آزار و اذیت»، قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس پرونده صادر شده و هر ۳ متهم جهت انجام تحقیقات تکمیلی و شناسایی دیگر جرایم انجام‌شده در اختیار اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته‌اند؛ لذا از کسانی که توسط سرنشینان یک خودرو پژو ۴۰۵ زردرنگ مشابه به خودرو تاکسی مورد سرقت، زورگیری و ... قرار گرفته‌اند دعوت می‌شود تا جهت شناسایی متهمان به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند».

پدر «هستی» زندگی‌اش را داد تا دیگر شلیک، یک رسم و سنت نباشد

اهدای ۱۰۰۰ متر زمین برای حمایت از جان کودکان

هستی ۱۱ساله در مراسم عزاداری قربانی یک رسم اشتباه در چهارمحال و بختیاری شد

شهروند| پدر دختربچه‌ای که در اثر تیراندازی در یک رسم غلط، جان خود را از دست داد، با اهدای ۱۰۰۰ مترمربع زمین برای احداث موزه، ضمن زنده نگه‌داشتن یاد این کودک، در راستای تنویر افکار عمومی و حفاظت از محیط‌زیست اقدام کرد.

یک یادگاری از هستی

پس از گذشت یک‌ماه از مرگ تلخ هستی ۱۱ساله که در یک مراسم عزاداری قربانی رسم تیراندازی شد، حالا خانواده هستی تصمیم گرفتند تا با اهدای یک زمین در نزدیکی مقبره دختر خردسال، فرهنگسرای حمایت از جان فرزندان در مقابل خرده‌فرهنگ‌ها و رسومات غلط و همچنین عدم شکار حیوانات و حفاظت از محیط‌زیست و هوای پاک تأسیس شود.

مهرماه امسال بود که هستی به همراه خانواده‌اش برای شرکت در یک مراسم عزاداری از شهر فارسان به مسجدسلیمان رفت و گلوله‌ای که از اسلحه یکی از حاضران در مراسم عزاداری شلیک شد، جان دختربچه بی‌گناه را گرفت.

اما ماجرا چطور رخ داد؟

رویا اسدی، مادر هستی در این‌باره گفت: روز جمعه ۱۱ مهرماه بود که به ما خبر دادند عموی پدرشوهرم که از افراد بزرگ و سرشناس شهرستان مسجدسلیمان بود، فوت کرده است. ساعت ۵ صبح روز شنبه ۱۲ مهرماه از شهرمان فارسان در استان چهارمحال و بختیاری به سمت مسجدسلیمان حرکت کردیم. حوالی ظهر به مقصد رسیدیم و به خانه عموی پدرشوهرم رفتیم. به محض ورود ما ناگهان ۲ مرد جوان که اسلحه در دست داشتند، شروع به تیراندازی هوایی کردند. هستی وقتی صدای شلیک گلوله‌ها را شنید خیلی ترسید و درحالی که خودش را پشت من پنهان کرده بود، وحشت‌زده می‌گفت «مامان من می‌ترسم.» آن روز به‌خاطر گرمای هوا، مراسم به بعد از ظهر موکول شد. حدودا ساعت ۴ بعدازظهر بود که از خانه خارج شدیم و به سمت قبرستان رفتیم. این درحالی بود که تیراندازی‌های هوایی همچنان ادامه داشت.

او ادامه می‌دهد: وقتی به قبرستان رسیدیم بعد از غسل میت، همه پشت‌سر روحانی ایستادیم و نماز میت خواندیم. تصمیم نداشتم زمانی که می‌خواهند متوفی را دفن کنند همراه جمعیت بروم. با خودم گفتم در سایه صبر می‌کنم تا مراسم تمام شود اما نمی‌دانم چه شد که در بین جمعیت قرار گرفتم و دیگر نتوانستم خارج شوم. در همین هنگام بود که صدای شلیک گلوله بار دیگر به گوش رسید. فقط دوست داشتم مراسم زودتر تمام شود و به خانه برگردیم. شلیک تیرهای هوایی همچنان ادامه داشت و با هر شلیک، هستی می‌لرزید. در همین زمان بود که احساس کردم دست دخترم که در دستم بود، کشیده شد. فکر کردم که او از ترس قادر به حرکت نیست. به او که نگاه کردم. دیدم به طرف جلو خم شده و سرش پایین افتاده است. خواستم چیزی بگویم که ناگهان هستی روی زمین دراز کشید و سرش را روی دستش گذاشت و دیگر حرکت نکرد. با نگرانی صدایش کردم اما جوابی نشنیدم. خم شدم و او را در آغوش گرفتم و در همین هنگام بود که متوجه شدم دستم خونی شده‌است.

هستی قربانی یک رسم اشتباه

مادر هستی می‌گوید: شوکه شده بودم. بدن دخترم را وارسی کردم و متوجه شدم که یکی از گلوله‌های شلیک شده از سوی شرکت‌کنندگان در مراسم، به کتف او اصابت کرده است. یکی از مردها خودش را به ما رساند و هستی را در آغوش گرفت. در همان لحظه همسرم و پدرش که متوجه ماجرا شده بودند، آمدند. آنها هستی را سوار ماشین کردند و به طرف بیمارستان راه افتادند. ما هم پشت سر آنها حرکت کردیم و راهی آن‌جا شدیم.

هستی به بیمارستان ۲۲ بهمن مسجدسلیمان منتقل شد. گلوله‌ای که از اسلحه دولول شکاری شلیک شده بود به کتف چپش برخورد کرده و جراحت عمیقی ایجاده کرده بود. تیم پزشکان تلاش زیادی کردند که هستی دوباره به زندگی بازگردد اما به‌خاطر شدت جراحات وارده و خون زیادی که از او رفته بود، دختربچه ۱۱ ساله خانواده اسدی دوام نیاورد و جانش را از دست داد.

با مرگ دختر خردسال، پلیس وارد ماجرا شد و تحقیقات درباره مرگ دختربچه شروع شد و در همان بررسی ابتدایی مرد جوانی که با شلیک اسلحه شکاری باعث مرگ هستی شده بود، بازداشت شد و این درحالی بود که هستی در قبرستان شهر فارسان آرام گرفته بود.

یک تصمیم بزرگ

حالا چند روزی است که مراسم چهلم هستی برگزار شده است و هنوز خانواده دختر ۱۱ ساله جای خالی او را احساس می‌کنند. اما ماجرای هستی به همین جا ختم نشد چرا که والدین او پس از برگزاری مراسم چهلم دخترشان دست به کاری زدند تا نام دخترشان برای همیشه ماندگار شود. پدر هستی در اقدامی خیرخواهانه ۱۰۰۰ مترمربع از زمینی را که در نزدیکی محل دفن دخترش به‌تازگی خریده بود برای احداث موزه‌ای با اهداف فرهنگی و محیط‌زیستی به سازمان محیط‌زیست استان چهارمحال و بختیاری واگذار کرد.

وی در گفت‌وگویی با «شهروند» درباره این کار خداپسندانه‌اش می‌گوید: من و همسرم سال ۷۲ باهم ازدواج کردیم و پس از یک‌سال پسرمان به دنیا آمد. ۸ سال طول کشید تا با کلی دعا و راز و نیاز سرانجام خدا، هستی را به ما داد. با ورود هستی به زندگی‌مان همه چیز برایمان تغییر کرد. به دنیا آمدن او برایمان سرشار از خیر و برکت بود.

وی در ادامه گفت: حالا که این اتفاق افتاده است، دوست داشتم کاری انجام دهم تا روح دخترم برای همیشه در آرامش قرار بگیرد و از طرفی یک فرهنگ‌سازی نیز انجام شود. به همین خاطر با همسر و بزرگ‌ترهای فامیل مشورت کردم و در نهایت تصمیم گرفتم ۱۰۰۰ متر از ۳۰۰۰ متر زمینی را که مدتی قبل از مرگ دخترم در نزدیکی محل دفن او خریداری کرده بودم را برای احداث موزه در نظر بگیرم. پس از این‌که این زمین را به سازمان محیط‌زیست واگذار کردم برای شروع کار موزه، اسلحه شکاری‌ای که داشتم و حتی یک‌بار هم با آن شلیک نکرده بودم را اهدا کردم تا بعد از ساخت موزه در آن‌جا نگهداری کنند. امیدوارم این کار باعث شود بقیه مردم نیز اسلحه‌هایش را تحویل این موزه دهند. از طرفی درخواست کرده‌ام در کنار این موزه یک خیریه نیز تأسیس شود تا در این مرکز از حقوق کودکان دفاع شود.

وی درباره روند پیگیری پرونده مرگ دخترش می‌گوید: پس از آن ماجرا ما شکایت کردیم و طبق آخرین خبری که در دست دارم فرد ضارب در زندان به سر می‌برد. تا به امروز که هیچ‌کدام از خانواده ضارب پا پیش نگذاشته است اما در هر صورت اعلام کرده‌ایم اگر خانواده فرد ضارب تلاش خود را بکنند تا این رسم غلط برای همیشه برچیده شود و مجلس قانونی درباره این رسم تصویب کند، آن موقع می‌توانیم درباره بخشش فکر کنیم اما در غیر این‌صورت تنها خواسته ما قصاص کسی است که دخترمان را برای همیشه از ما گرفته است.

پیگیری

نیروهای امدادی در جست‌وجو پیکر «شادی سرخیل»

یک هفته از زمانی که «شادی سرخیل» عضو تیم قایقرانی کشور، در تالاب انزلی فرو رفت می‌گذرد اما همچنان جنازه وی در دریای خزر و تالاب گمشده و خبری از آن نیست.

در این مدت نیروهای امدادی مختلف اعم از نیروی دریایی ارتش، آتش نشانی، سازمان امداد و نجات هلال‌احمر و مردم محلی نهایت تلاش خود را برای یافتن اثری از شادی انجام دادند اما بارندگی‌های سنگین در ۴ روز ابتدایی غرق شدن وی، کار جست‌وجو را دشوار کرد.

حسین درخشان، سخنگوی سازمان امداد و نجات هلال‌احمر در این رابطه گفت: جست‌وجوها برای یافتن این عضو تیم قایقرانی کشور همچنان ادامه دارد و وجب به وجب تالاب انزلی در این یک هفته جست‌وجو شده‌است.

وی ادامه داد: حدس ما این است که به علت بارندگی سنگین ۴-۳ روزه بعد از غرق شدن شادی در تالاب، جنازه وی به دریای خزر رسیده باشد و همین کار، جست‌وجو را سخت کرده است.

به گفته وی، نیروی دریایی ارتش، سازمان بنادر و کشتیرانی، سازمان امداد و نجات هلال‌احمر و مردم محلی همچنان در حال جست‌وجو برای یافتن نشانی از شادی هستند.

آژیر

۱۰ نفر از اعضای باند، اتباع بیگانه بودند

سرقت با قمه و قداره قبل از طلوع خورشید

۱۴ عضو یک باند سرقت از کارگاه‌ها و اماکن خصوصی در عملیات ویژه کارآگاهان پلیس آگاهی استان اصفهان دستگیر شدند.

عبدالرضا آقاخانی، فرمانده انتظامی استان اصفهان گفت: در پی وقوع چندین سرقت از کارگاه‌ها و اماکن خصوصی در سطح شهر اصفهان، دولت‌آباد و شاهین‌شهر، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی استان قرار گرفت.

وی افزود: ماموران پلیس بلافاصله در محل سرقت حضور یافته و با تحقیق از نگهبانان و بررسی صحنه‌های جرم، دریافتند که این سرقت‌ها توسط باندی حرفه‌ای و مسلح به قمه و قداره و نیز مجهز به لوازم و امکانات مورد نیاز انجام شده‌است.

فرمانده انتظامی استان اصفهان گفت: سرانجام با تحقیقات گسترده و اقدامات ویژه پلیسی و با تلاش شبانه‌روزی کارآگاهان، مخفیگاه سارقان و محل نگهداری اموال مسروقه شناسایی شد و ماموران با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات هماهنگ و منسجم که در ۴ نقطه شهر اصفهان انجام شد، تعداد ۱۴ نفر از سارقان را دستگیر کردند.

سردار آقاخانی افزود: در بازرسی از مخفیگاه سارقان، ۳ دستگاه وانت پیکان، یک دستگاه سواری پراید، ۲ دستگاه موتورسیکلت و مقدار زیادی ضایعات فلزی مسروقه، دستگاه‌های DVR خرد شده مسروقه، دوربین‌های مداربسته سرقتی، ال‌سی‌دی، لپ‌تاپ و مقادیری وسایل مسروقه از سوپرمارکت‌های سطح شهر کشف شد.

وی درخصوص نحوه سرقت توسط سارقان گفت: شگرد این باند به‌گونه‌ای بود که ابتدا یکی از آنها در پوشش خریدار ضایعات وارد این اماکن شده و تمامی موارد را کاملا بررسی و شناسایی می‌کرد و سپس به همراه سایر اعضای باند در ساعت‌های بین ۲ تا ۵ بامداد به محل مورد نظر برای سرقت مراجعه و با استفاده از سلاح سرد، اقدام به بستن دست و پای نگهبان و حبس وی می‌کردند و اموال موجود را جمع‌آوری و متواری می‌شدند.

فرمانده انتظامی استان اصفهان افزود: سارقان پس از سرقت، اموال مسروقه را به کارگاهی که محل دپوی اموال مسروقه بود، انتقال داده و در آنجا آنها را به ضایعات تبدیل کرده و برای فروش آماده می‌کردند و به خریداران مربوطه می‌فروختند.

سردار آقاخانی با بیان این‌که تعداد ۱۰ نفر از این سارقان از اتباع بیگانه و فاقد مدارک هویتی و اقامتی بودند، گفت: با اعتراف متهمان ۴ نفر از مالخران این پرونده نیز شناسایی و در عملیاتی ضربتی همگی آنها در ۲۴ ساعت دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده‌شدند.

ذره‌بین

نجات ۲۰ نفر گرفتار در برف و کولاک

۲۰ نفر گرفتار در برف و کولاک جمعه شب در منطقه رودبارک شهرستان مهدیشهر با تلاش امدادگران هلال‌احمر نجات یافتند. در پی تماس مردمی با سامانه ۱۱۲ (ندای امداد) در ساعت ۱۶ عصر جمعه مبنی بر گرفتار شدن ۲۰ نفر در برف و کولاک منطقه رودبارک شهرستان مهدیشهر ۲ تیم عملیاتی امداد و نجات به منطقه اعزام شدند.

امدادگران پس از تلاش ۴ ساعته موفق شدند این افراد را پیدا کرده و به منطقه امن منتقل کنند. در این عملیات ۵ نجاتگر و امدادگر به همراه یک دستگاه آمبولانس و یک دستگاه خودرو نجات حضور داشتند.

آتش در مرکز خرید صدف قشم

۱۸۵ غرفه مرکز تجاری صدف در گهان در آتش سوخت. ساعت ۸ شب روز جمعه ۲۳ آبان‌ماه طبقه دوم مجتمع تجاری قشم طعمه حریق شد و به طبقه‌های اول و همکف سرایت کرد.

کمال‌زاده فرماندار قشم در رابطه با این حادثه گفت: «مأموران آتش‌نشانی با اعلام خبر آتش‌سوزی در محل حادثه حاضر شدند و توانستند پس از ۱۲ ساعت آتش را به‌طور کامل خاموش کنند. گروه‌های آتش‌نشانی از در گهان، قشم و شهرستان خمیر در نزدیکی قشم، برای خاموش کردن آتش‌سوزی مرکز تجاری صدف اعزام شدند. در این حادثه ۱۸۵ غرفه مجتمع ۳۲۰ واحدی صدف در گهان ۵۰ تا ۱۰۰ درصد در آتش سوخت. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد آتش‌سوزی مرکز تجاری صدف در گهان قشم ۸۰میلیارد تومان خسارت بر جای گذاشته است. کمبود برخی امکانات سبب طولانی شدن خاموش کردن این مرکز تجاری شد. علت آتش‌سوزی اتصال سیم برق بود.»

به گفته بازاریان، مجتمع تجاری صدف دستگاه هشدار آتش‌سوزی داشت اما هنگام آتش‌سوزی خاموش بود.